

نوروز

نوروز بدون شک مهم ترین جشن ایران امروز است. جشنی که آنچنان با نام ایرانی و ایران آمیخته است که نمی توان آن را از ایران جدا نمود. نوروز در بین قوم های مختلف ایرانی با سنت های گوناگون و البته شبیه به یکدیگر برپا می شود و به همراه خود هزاران نکته را دارد. در این جا به آیین های نوروز در نزد زرتشتیان، دلایل برپایی این جشن و خوان نوروزی می پردازیم:

فلسفه برگزاری: فلسفه برگزاری نوروز را می توان از سه دیدگاه نگریست.

دیدگاه نجومی، در این دیدگاه به این نکته اشاره می شود که خورشید بعد از ۳۶۵ روز و یک چهارم روز دوباره وارد برج حمل می شود و همزمان است با رستاخیز طبیعت.

دیدگاه تاریخی یا اسطوره ای اشاره دارد به جمشید شاه پیشدادی که پس از انجام دادن کارهای گوناگون، روزی برای نشستن بر تخت انتخاب کرد و آن را نوروز نام نهاد.

از دیدگاه دینی با توجه به اینکه در چهره همس پت میدیم گاه و با آفریدن انسان، آفرنش خداوند کامل می شود، فردای آن روز که هم زمان با اورمزد از ماه فروردین باشد را جشن می گیرند.

آداب نوروز:

همانگونه که در فروردین یشت آمده است فروهر درگذشتگان قبل از آغاز چهره ششم گاهنبار از جایگاه خود فرود می آیند و این نوشته در سنت زرتشتیان بدین صورت شکل یافته است که: زرتشتیان هنگامی که ده روز مانده به آخر سال، خانه و اطراف محیط خود را پاکیزه می کنند و لباس نو تهیه می کنند در پنج روز پایان سال که چهره ششم گاهنبار برگزار می شود برای خیر و برکت همگان خوراکیها تهیه می کردند و داد و دهش انجام می دهند، چوبهای خوشبو بر آتش می نهند و در شب پایان سال نیز در بالاترین مکان پشت بام خود آب تازه (نمادی از خرداد امشاسپند و مایه روشنایی و برکت در زندگی)، چند شاخه درخت مورد (به نشان امرداد امشاسپند به منظور جاودانگی و زندگی پر از خوشی و خرمی و سربلندی داشتن) و سیر و سداب (برای سلامتی و زدودن ناپاکی ها) تهیه می کنند. خلاصه آنچه که مایه خیر و برکت و شادی انسانها می شود و فروهر های درگذشتگان را از داشتن زندگی خوب و سرشار از پاکیزگی و خوشبختی بازماندگان خود خشنود سازد تهیه می کنند و در سپیده دم صبح نوروز بر پشت بام آتش روشن می کنند و با خواند اوستا و نیایش، به بدرقه روان و فروهر درگذشتگان می روند و زندگی سرشار از نعمت، برکت و فراوانی را خواهان می شوند.

در آغاز سال نوچند ساعت قبل از تحویل سال، خوان نوروزی را می گسترانند و بعد از تحویل سال به آتشکده ها می روند و ستایش اهورامزدا را به جا می آورند، سپس به خانواده هایی که عزیزان خود را در سال گذشته از دست داده اند سر می زنند و یادشان را گرمی می دارند. بعد از آن به دید و بازدید های نوروزی می پردازند.

هفت سین:

بدون شک آن چیزی که امروز ما هفت سین می نامیم در طول تاریخ تغییراتی یافته تا اکنون به هفت سین رسیده است. دیدگاه های گوناگونی در مورد هفت سین گفته شده است که در عین متفاوت بودن همگی آنها می توانند شکل دهنده قسمتی از سرگذشت سفره نوروزی باشند. و اما برخی از این دیدگاه ها:

۱. عقیده بر آن است که در زمان ساسانیان نوعی سینی از جنسی خاص (احتمالاً کائولین) وارد ایران شده است و چون در آن زمان ارزش زیادی داشته است در چیدن خوان نوروزی از آن سینی ها استفاده می کردند. این ظرفها را در ابتدا چینی می نامیدند (به دلیل آنکه از چین به ایران آورده شده است) و بعد ها نام سینی را گرفته است و البته با توجه به مقدس بودن عدد ۷ در نزد ایرانیان هفت سین شکل گرفته است.

۲. باور دیگر این است که در زمان ساسانیان هفت نوع غله متفاوت را در ظرفها یا قابها یا بر روی ستون های خاصی می کاشتند و هر کدام از این غله ها بهتر عمل می آمد در سال آینده از آن غله استفاده می کردند. بدین ترتیب متوجه

می شدند که از بذره‌های موجود کدام یک بهتر به عمل می‌آید و دارای کیفیتی بهتر است.

۳. اعتقاد دیگر بر این است که هفت سین نمادی است از هفت امشاسپند و از آن ریشه گرفته است.

۴. برخی نیز بر این باور هستند که هفت سین در ابتدا هفت نوع میوه یا گیاه چیدنی بوده است که بعدها به هفت سین تبدیل شده است.

خوان نروزی:

پیش از تحویل سال نو، زرتشتیان خوان نروزی را می‌گسترانند و نمادهای امشاسپندان و یا بهترین و ساده‌ترین چیزهایی که نشانه برکت و مایه سلامت انسانها و نشانه‌ای از نعمت‌های اهورامزدا است را بر سر سفره می‌گذارند که عبارت است از:

کتاب اوستا: برای همیشه به یاد خدا بودن.

نان: نشانه برکت (در قدیم نانی از هفت نوع غله و حبوبات تهیه می‌شده که کنایه‌ای از داده‌های اهورامزدا بوده است) تخم مرغ: اشاره به نطفه و نژاد است.

آیینه: به معنی چشم روشنی و یکرنگی و با ایمان بودن.

سمنو: که از جوانه تازه رسیده گندم تهیه می‌شود و نشان توانمندی و رشد و نمو است.

سنجد: به نشان عشق و دلدادگی.

ماهی: اشاره به ایزد آناهیتا (آب) به معنی جنب و جوش و بالندگی در زندگی و شاید کنایه‌ای بر برج حوت و ماه اسفند نیز باشد.

انار: نشانه همبستگی و اتحاد.

سیب: نشانی است از عشق و زایش و تندرستی.

شیر تازه: شیر تازه را باخرما و پنیر و کوبیده گیاه هوم آمیخته و در نروز می‌خوردند که اشاره بر نوزایی آدمی و رستاخیز طبیعت بوده و اکنون زرتشتیان شیر را به یاد وهمن امشاسپند (به معنی نیک اندیشی) که در نقش مادی نگهبان حیوانات است، بر سر سفره می‌گذارند.

آفرینگان آتش (آتشدان) و بوی خوش که نماد اردیبهشت امشاسپند به معنی بهترین راستی و پاکی و نگهبان آتش است بر سفره حاضر و با بوی خوش مثل سندل و عود واسپند و کندر و... هوا را خوشبو و معطر و شاداب می‌کنند.

سکه: نشانه‌ای از شهریور امشاسپند است و به معنی شهریاری می‌باشد که مایه برکت و ثروت و دارندگی است.

سفره سفید یا سبز: همان سفره نروزی است که آنرا به نشان سپنتا آرمییتی (سپندارمزد) به معنی مهر و فروتنی و عشق پاک و پارسایی می‌گسترانند.

آب را به همراه آویشن و انار در ظرفی زیبا قرار می‌دهند. آب نمادی است از خرداد امشاسپند به معنی رسایی و کامل شدن، آویشن نیز نشانه‌ای است از مهر و خوشبویی و سلامت.

گلدان گل و سرو و شمشاد و سبزه‌های نروزی (در بعضی مواقع از هفت نوع حبوبات تهیه می‌شده) که بر سر سفره قرار می‌گیرد همگی به یاد امرداد امشاسپند به معنی بی‌مرگی و جاودانگی.

برسم: در قدیم مرسوم بوده، که از شاخه‌های درختان خاصی مانند انار، بید، زیتون، گز و... تهیه و به صورت رشته‌های مشخص سه تایی یا هفت تایی و... در کنار هم بسته می‌شده است. بر سر سفره نروزی به نشانه سپاسگزاری برای بهره‌مندی از نعمت گیاهان و نباتات که مایه تغذیه انسان و حیوان است، قرار می‌دادند.

پس از تحویل سال و نیایش به درگاه خداوند با گلاب و آیینه و پخش شیرینی و نقل به یکدیگر شادباش می‌گویند.

در قدیم همچنین مرسوم بوده که مقداری خشکبار (مانند برگه هلو، زردآلو، انجیر و...) در ظرف آبی می‌ریختند و بر سر سفره نروزی قرار می‌دادند. در ایام نروز از این مخلوط به جای میوه نروزی استفاده می‌شده است.

سماق: چاشنی زندگی. سیر و سرکه: برای گندزدایی.